

بالا حصار کابل و پیش آمد های تاریخی

(۸)

« پیدا نمی شدی که قوم سدوزائی را دشمندار قوم درانی ساختند و آل
 « و عیال سدوزائی را بر باد دادید. احمد شاه قزم سدوزائی کم قوم بود جمیع
 « قوم درانی یکجا شده خطاب پادشاهی احمد شاه را دادند و بخدمت احمد شاه
 « حاضر بودند و ملکها را به تسخیر گرفتند و اتفاق داشتند و در عمل داری
 « شما نیک بر قوم درانی جاری کردید و بی اتفاق در قوم درانی پیدا نکردید
 « تیمور شاه پادشاه وزیر شاه و لیخان را همه دو پسرانش بقتل رسانید
 « هنوز آن آتش گز نشد و دیگر آتش فتنه را بر پا کردید ازین اطوار
 « که در قوم سدوزائی پیدا شده بر بادی قوم سدوزائی شدنی است باید
 « که این حکومت قوم سدوزائی رفته رفته بر او دفنارود همین قدر سخن
 « گفته در جای مسکونه خود رفت مدتی چند بیوم بیماری بر او حاصل شده
 « از دار فنا به دار بقا رحلت نمود بعد آن قوم درانی بومیه درخرا بی
 « حکومت سدوزائی متوجه شدند »

به اساس این من والدۀ سردار رحمت الله خان وزیر اعظم بحیث یک زن
 سر سفید و با تاجر به افغان در حالیکه از پیش آمدهای گذشته مخصوصاً
 قتل وزیر شاه و لیخان و پسرانش متاثر بود و قرار بکه از خلال کلماتش
 معلوم میشود از تعالی کشورش را به اتفاق و اتحاد میدانست پسرش وزیر
 اعظم و شاه زمان هر دو را به لحن ملامت آمیز مؤاخذه میکند و معلوم
 میشود که حتی در زمان حیات شاه و وزیر اعظمش در حالی که هنوز یکی دو ماهی
 هم ازین قتل فجیع نگذشته بود علت چنین حکمی تا بهنگام که استخوان شکنی
 بزرگ و بی سابقه در میان اقوام مخصوصاً سدوزائی و بارک زائی توئید
 کرد حتی پیش مادر وزیر اعظم سردار رحمت الله خان هم مرموز بود.

انعکاس این پیش آمد . کشتار بزرگان قومی در قندهار پیش
 پیش بینی آمد ناگواری بود که بنیاد سلطنت زما نشاء
 مادر سردار رحمت الله خان وار کان قدرت وزیر اعظمش را تکان داد
 پیش گوئی مرموز و مانند زنگ خطر شروع انحطاط سقوط
 نوشته‌ئی در محراب مسجد سلطنت سدوزائی را اعلام کرد. کشته
 بالاحصار کابل شدن ناگهانی ۱۲ تن از سران بزرگ

قومی مختصراً قتل سردار بزرگ و نامداری چون
 سردار پابنده خان و لوله عظیمی در میان همه خانواده‌ها
 تولید کرد. چون سردار پابنده خان به حساب پسران تیمور شاه
 ارلاد داشت دفعتاً نیرومند ترین خانواده افغانستان علیه دستگاه سلطنت
 سدوزائی زمان شاهی قد علم کرد. سردار فتح خان پسر سردار پابنده
 خان که ایفک بار اول نامش در گذارشات تاریخی بالاحصار ذکر
 میشود و در آینده اسمش را در واقعات بزرگ خواهیم شنید از قندهار
 فرار نموده با برخی از برادرزادگان خویش را بطرف نادعلی و فراه
 رسانید و از آنجا از راه سیستان به ایران رفت و بشهر آده محمود پیوست
 و قرار یکه بعدتر خواهیم دید دستگاه سلطنت از همان شاه به نیروی فاکر و
 و شمیر همین مرد بزرگ سقوط میکنند.

انعکاس واقعه قندهار طبعاً در کابل هم بسیار بود و تا ثیر آنرا از
 نوشته‌ئی میتوان حدس زد که به اساس شهادت بکنفر از انگلیسی‌ها
 «مسترتیت» در محراب مسجد شاهی بالاحصار کابل تحریر شده بود.
 اصل این نوشته شعری بوده که متاسفانه مولف انگلیسی ترجمه آنرا
 در مولفه خود سلطنت افغانستان (صفحه ۱۱۲) داده است و مطلب آن ازین
 قرار است: «حد دوام سلطنت درانی (مقصود از سلطنت سدوزائی است) سال

۱۲۱۷ است بعد ازین هر ولایت از خود شاهی خواهد داشت
 و هر شاه دو یا سه روز دو یا سه ماه دو یا سه سال سلطنت خواهد کرد.
 قراریکه همه میدانیم ۱۲۱۷ هجری قمری حتم سلطنت زمانشاه است
 حتی زمانشاه در سال ۱۲۱۷ هم نرسیده و در پان ۱۲۱۶ در قلعه عاشق شنواری
 در نزدیکی جندک کور شد و وزیر اعظمش را اسیر گرفته بکابل آوردند
 و در بنا لاجصار شهر بقتل رسید.

پیش بینی والده سردار رحمت الله خان در قندهار و پیش گوئی یکنفر از
 کابلیان در لفافه شعری در مسجدشاهی، بالاحصار کابل هر دو بجای صحیح
 افتاد و مناسفانه در موقعیکه دست استعمار در سرحدات کشور مادر از شده
 و در شرق و غرب و در داخل این مرز و بوم فعالیت میکرد و احتیاج
 به افغانستان قوی و دستگیر سلطنت نیرومندی داشتیم و مردان کار دیده
 بیشتر در کار بود کشتار قندهار و اوضاع را بکلی دگرگون ساخت
 و زمانشاه را در سراشیبی قرارداد که بعد از وی افغانستان عصر سدوزائی
 رو به انحطاط رفت.

هکاری سر جان ملکم چند صفحه قبل دیدیم که علت مراجعت

با فتحه ایشاه

همکاری فتح خان با

شهنزاده محمود

توقف مختصر زمانشاه

در بالاحصار کابل

رسالت فرستاد تا از جنگ و خون ریزی جلو گیری بعمل آرد چون

شاه قاجار توان تسخیر نیشاپور را در خود ندید در مقابل پیام مصلحت

جویانه زمانشاه عزم خویش را فسخ نمود و بطهران مراجعت کرد

و طره بازخان به قندهار عودت نمود و درین بین واقعه ناگوار قندهار رخ داد .
در بهار سال ۱۲۱۵ (۱۷۸۰ م) فتح علیشاه باردوم بنای تهاجم را بر خراسان
گذاشت طبعاً شهزاده محمود با وی همراه بود و بوی وعده داده بود که
او را بر تخت شاهی خواهد نشاند .

تحریرات دستگام استعماری انگلیسی درین فرصت بیشتر تقویت شده
و علاوه بر مهدی علیخان که طبق منافع انگلیسی فعالیت داشت هیئت کپطان
مالکم هم به جنوب ایران وارد شده و در موقعیکه فتح علیشاه و شهزاده محمود
راه خراسان را پیش گرفته بودند مالکم در راه حرکت بطرف طهران بود
بهر حال در اثر اطلاعیکه شهزاده قیصر پیرامون حرکت شاه قاجار بطرف
خراسان غربی به پدرش نوشت زهانشاه میرآخور مهر علیخان اسحاق زائی
معروف به شاه پسندخان را به حکومت قندهار گذاشته خود بطرف هرات
حرکت کرد و تا بستان (۱۲۱۵ ق) (۱۷۸۰ م) را در آنجا گذرانید و چون
شاه سدوزائی در هرات نقشه های فتح علیشاه و شهزاده محمود را بار دیگر
بر هم زد شاه قاجار بدون اینکه کدام حرکت عملی کند به طهران برگشت
و شهزاده محمود به ترشیز رسید و شاه قاجار عندا امر اجمعه به پایتخت خود
هیئت کپطان مالکم را با راولپنڈی برفت *مطالعات فرنگی*

بدین ترتیب ظواهر امور در ولایت غربی سر به راه معلوم میشد
ولی در حقیقت اوضاع و خامت مزید پیدا کرده بود. از یک طرف هیئت
انگلیسی مالکم در تشویق و تحریک دربار قاجار بیشتر صرف مساعی میکرد
و از جانب دیگر مرد مدبر و فعالی چون فتح خان باشهزاده محمود و نقشه
های مخالفت کنار آنه او همدم و همقدم شد، در داخل مملکت عده از
مردان کار آگاه چون سردار یا بنده خان و امثالهم از میان رفتند
و در شرق سکه ها که سر و سر کردهئی از خود پیدا کرده بودند به تحریک
دیگران بیشتر عام مخالف بلند کردند. مطابق همان فورمولی که ضربها
متناوباً به شرق و غرب قلمرو سدوزائی فرود آید، دستگام استعمار بعد از
اینکه بادست قاجار مشهزاده محمود را میخواست حواله هرات کند بادست

رنجیت سنگ مشیت سدا را حواله پنجاب نمود. شجاع الملک برادر عینی زما نشاء
موضوع فتنه انگیزی سگهارا فوراً به اطلاع برادرش رسانید زما نشاء سپاه خویش
را از راهای معمولی بطرف کابل حرکت داده و خود از راهای دشوار گذار
ولی کوتاه ایماق و هزار جات عازم پایتخت شد و به بالاحصار کابل آمده
چند روز مختصر را در اخذ ترتیبات لازمه به پایان رسانید و روانه پشاور شد
و تازه بدین شهر رسید بوده که خبر سقوط قندهار بدست شهزاده محمود
و فتح خان برایش رسید. این دفعه دیگر شاه سدوزائی مجال نیافت که
خود را به لاهور مرگز و لایت پنجاب برساند.

پیشتر دیدیم که فتح علی شاه قاجار شهزاده محمود را در ترشیز گذاشت و خود
بار اول هیئت مالکمرادر طهران پذیرفت این راهم گفتیم که سردار فتح خان
پسر سردار پاینده خان بعد از قتل پدرش از قندهار برآمده از راه نادعلی
و سیستان به ایران رفت.

حوادث آمال مشترک و مخالفت به یک طرف و جبهه معین شهزاده سدوزائی
و سردار بارک زائی را در ترشیز بهم یکجا ساخت و یکجا شدن ینبه و آتش
به سرعت برق حریق برپا کرد که زما نشاء با همه اقتدار سلطنتی خود
به گال کردن آن موفق نشد بلکه آخر از دود آنهم کور شد.

فتح قندها بدست شهزاده فتح خان و شهزاده محمود چون در ترشیز

محمود مراجعت فوری زما نشاء یکجا شدند یکی بحیث برادر و رقیب

یکابلی و اعزام ده هزار سپاه و مدعی تاج و تخت و دیگری به حیث منتقم

بطرف غزنی و مقر علیه شهزاده خون پدر، نقشه واحدی تشکیل داده

محمود و فتح خان حرکت در صد اقدام عاجل برآمدند. شهزاده محمود

خود شاه بدان طرف که تا حال چندین مرتبه بخت آزمائی کرده

بود از نیروی عقل و بازوی فتح خان استفاده زیاد کرد و حقایق نشان داد

که کار زما نشاء بالاخره در اثر اقدامات مخالفت کارانه سردار فتح خان

یکسره شد. شهزاده محمود هر چند طمید به کمک بیگانگان

موفقیته حاصل نتوانست تا اینکه مرد مدبری از خود افغان ها بوی و به
نقشه های وی هم نمود و تبرد ستم حسابی پیدا کرد. ایشان هرات و شهزاده قیصر
را کنار گذاشته و بصورت مستقیم از راه سیستان بطرف قندهار روی آوردند.
مهر علیخان ملقب به شاه پسند خان حاکم آن شهر بعد از مقابله در
حوالی (باغ هرمن) یا (باغ مریز) در حصص جنوبی کشک نخود شکست
خورد و خویش را به شهر کشید و بعد از چهل روز محاصره در هم شکست
و قندهار بدست شهزاده محمود افتاد و خود مهر علیخان خبر سقوط شهر را
به پشاور به زمان شاه رسانید زمان شاه مجال رفتن لاهور و سرگوبی سک
های متمرک را نیافت و فوری خویش را بکابل رسانید.

چون سرعت واقعات، اقدامات عاجل میخواست زمان شاه عمداًخواست
که بحرم سرای شاهی بالاحصار فرود آید. در کمپ سفری خویش
در میان نظا میان ماند و دسته بزرگی مرکب از ۱۰ تا ۱۵ هزار سپاه را
بحیث مقدمه الجیش فوری طرف غزنی حرکت داد و خود هم بلاوقف
یکسی دو روز بعد با دسته سپاه دیگر که عده آن از دسته اولی کمتر
نمود بسمت مذکور بحرکت آمد.

شکست زمان شاه: شاه زمان در غزنی سردار احمد خان

نور زائی را در رأس ده هزار سپاه بیشتر و بطرف قلات فرستاد و قوای
شهزاده محمود و شاه زمان در حوالی قلات بهم مواجبه شدند و سردار
نور زائی در اثر بیم و افسوس چارخا طر که از سردار
رحمت الله خان وزیر اعظم زمان شاه داشت بطرف مقابل پیوست جناب
داری مفرط شاه از وزیر اعظمش سردار رحمت الله خان که منتج به دل سردی
سران قومی و قتل دسته های در قندهار شد در یک موقع باریک ضرتی سخت
بدست احمد خان نور زائی به دستگاه قدرت زمان شاه کوفت که
کاخ سلطنت او را متزلزل ساخت. در مقابل تسلیم ده هزار نفر شاه زمان
چاره های جزع عقب نشینی نداشت. خبر تسلیم سردار نور زائی اغتشاش بزرگ
در میان بقیه السیف قوای زمان شاهی تولید کرد و چندان کسی پیرامون
وی نمود و مجبور شد که فوری طرف کابل عقب نشیند.

يك نامه تاريخی وزير فتح خان در روزهای که بطرف وسطا صفر المعظف

عنوانی نایب امین الله خان سال ۱۲۱۶ نزدیک میشد زمان شاه و قوای او

از شاه محمود و وزیر فتح خان شکست برگی :

این نامه قبل از اشغال کابل از طرف شاه محمود

کابل از طرف شاه محمود و وزیر فتح خان برای نایب

امین الله خان فرستاده شده :

يك فرمان تاریخ شاه محمود که بتاریخ نوزدهم

صفر ۱۲۱۶ بنام فتح الله خان

امین الملک صد در گردیده :

این فرمان ثابت میسازد

که در ماه صفر ۱۲۱۶ ^{گاه علوم این روز بعد از ۹ سال} کابل در عقب نشینی میباشد . در کابل

اضطراب عمیقی حکمفرماست : يك

سلطنت در ماه صفر ۱۲۱۶ ^{گاه علوم این روز بعد از ۹ سال} سلطنت عقب نشینی

سلطنت در ماه صفر ۱۲۱۶ ^{گاه علوم این روز بعد از ۹ سال} سلطنت در ماه صفر ۱۲۱۶

نموده و شاه محمود بازا اول

به دارا السلطنه کابل به

پادشاهی رسیده :

تعیین میکنند . بین کابل و جلال آباد

همه جا تشویش و بلا تکلیفی حکمفرماست و در پشاور شجاع الملک برا در

زمان شاه از سرعت تحول اوضاع بی خبر افتاده است .

مربوط به همین ایام پر هیجان و پر اضطراب يك مکتوب ويك فرمان
در دست است که مکتوب حرکت لشکرهای بسیار را بطرف دارالسلطنه
کابل نشان میدهد و فرمان استقرار اوضاع و آغاز سلطنت شاه محمود را
بار اول واضح میسازد درین مکتوب و در این فرمان در هر دو وزیر فتح خان
مهر کرده در ظهر مکتوب مهر کوچک بیضی او دیده میشود که در آن
فقط حویث را (شاه دوست) خوانده و در ظهر فرمان مهر بزرگ مربع او
نقش است که در آن کلمات شاه دوست را در سجعی گرفته که مضمون
فرد آن بدین طریق مشهود است :

طالع محمود را تا زم کسز وست

سر فراز فتح و نصرت شاه دوست

در مکتوب که متأسفانه تاریخ آن ذکر نشده نام دوست وزیر شاه
محمود فتح خان باریک زانی از حسن خدمات امین الله خان برکی اظهار
قدر دانی نموده و او را به رسیدن رایت عالیات شاه محمود و لشکرهای
او به دارالسلطنه کابل مژده میدهد و در فرمان که عمرانی فتح الله خان
امین الملك بتاريخ نهم شهر صفر المظفر ۱۲۱۶ صادر شده دو صد تومان
تربیزی مواجب امین الله خان برکی را تعیین و مقدر میدارد. این نامه و
فرمان علاوه بر جنبه خصوصی از نظر جریان تاریخ افعالیان اهمیت
بسیار دارد. قراریکه همه میدانیم برخی ماخذ در اختتام دوره سلطنت زمان شاه
متردد اند حال آنکه فرمان مریخه نوزدهم شهر صفر المظفر ۱۲۱۶ که
متن آنرا پایان میدهیم کوچکترین تردیدی نمیکند که در اواسط ماه
سر سال مذکور در سلطنت زمان شاه به پایان رسید. و برادرش شاه محمود
بار اول در همین روزها در کابل به سلطنت رسیده است.

مکتوبی که در آن از حرکت لشکرها بطرف کابل ذکر شده طبیعی
چند روز قبل از نهم صفر سال مذکور نوشته شده و بسیار احتمال دارد
که در مقر باغزنی در اواخر ماه صفر یا اوایل هفته اول ماه مذکور تحریر
شده باشد و حتماً تاریخ نگارش آن بعد از فتح قندهار بدست شاه محمود
وزیر فتح خان است زیرا بعد ازین پیروزی و حتی بعد از شکست قوای

زمانه در قلات و عقب نشینی وی از غزنی امید فتح کسانی پیدا شد .
 و لشکرها بطرف دارالسلطنه سرازیر گردیده است .
 اینک به ترتیب اول متن (نامه) و بعد متن (فرمان) را می‌دهیم (۱)
 «عالیجاه رفیع جایگاه امین الله خان بر کی بعافیت بوده سلامت باشد بعد»
 «ازینکه در اینوقت حسن اخلاص مندی و یکجهتی آگاه آنعالیجاه ظاهر»
 «و با هر که در بد چگونگی از ادت و خیر خواهی خدمت گذاری آنعالیجاه»
 «را حالی رای جهان آراء نموده شد چنانچه دستخط آفتاب نمط بر افرازی»
 «آنعالیجاه شرف صدور یافته بزیارت آن مشرف خواهند شد و رایات»
 «عالیات جاه و جلال خاقانی بالشکرهای بسیار بجزم تسخیر دارالسلطنه»
 «کابل بیرون شده عنقریب رونق افزای انحدود میگرددند باید که در هر باب»
 «خاطر خود را جمع و مطمئن داشته برود نوشته بامید واری تمام روانه»
 «در گاه معلی گردند که فرج آور خدمت خود مورد نوازشات شاهانه»
 «و انطاف بلا نهایت خسروانه خواهد شد در هر باب خاطر خود را جمع دارند»
 «و به اخلاص مندی خود ثابت قدم باشند باقی و السلام .»

(شاه دوست)

ازین مکتوب معلوم میشود که امین الله خان لو گری بر کی قبل از ورود
 شاه محمود بدابل و قبل از رسیدن وی به یاد شاهی در زمان جریان سلطنت
 زمانه شاه به طریقت فداری از شاه محمود خدمتانی انجام داده که وزیر فتح خان
 بدان اشاره کرده است از تاریخ ^{که در} ^{فرمان} دیگر که در شهر ذی قعدة الحرام
 سال ۱۲۱۴ یعنی دو سال قبل از اختتام سلطنت زمانه شاهی به وکیل
 جماعه بر کن نوشته شده و به مهر قاضی القضاة فاضلی محمد سعید رسیده .
 معلوم میشود که امین الله خان مذکور در سال های اخیر سلطنت زمانه شاه
 هم دو صد تومان تبریزی مواجب داشته . بهر حال این موضوع بحیث جمله
 معترضه آمد و اینک نقل فرمان مطلوب را می‌دهیم :

(۱) این مکانیها چند سال قبل از نزدیکه نایب امین الله خان لو گری برای موزه کابل
 خریداری کردم و در اینجا در جمله اسناد خطی موجود است و در مرقع اول تحت نمره (۴) و (۱۳)
 قید است و از اینجا نقل شد .

پناه زین کعبه ایمن اللهون برکت یافت بوده بدست باشد بدو کند در وقت

حسن اصفی شیرین کعبه آگاه در یاد خاطر دما بر کوه مویکا در وقت و غیره در وقت

انگاه در ایام ای جهان زنده شود و کوه مویکا در وقت در وقت در وقت

بر نارت آن شرف خواهد بود در وقت در وقت در وقت در وقت

تسیر و کعبه کاسرین شده و کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه

جمع و مغان داشته بود و کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه

مورد در وقت آنکه در لطف بی نهایت خردمندانه در هر ما بسبب خاطر

محمد در وقت در اصفی شیرین کعبه ثابت قدم باشد

نامه تاریخی وزیر فتح خان عنوانی نایب امین الله خان بر کبی
از مجموعه اسناد خطی موزه کابل - ورق اول شماره (۳)



مہر کو چک بیضوی
وزیر فتح خان

پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی